

تفسیر

«سورۀ مبارکۀ حمد»

(۴)

در شماره گذشته هفت نکته در خصوص کلمه الحمد لله بیان گردید ؛ کسیکه مقاله سابق را خوانده ارزش واقعی خبرشرفی را که خلاصه مفاد آن نقل میشود درک میکند .

در تفسیر المیزان از کتاب کشف الغمّه از حضرت صادق علیه السلام روایت میکنند که فرمود : استری از پدرم گم شد، ایشان فرمود : اگر خدا آنرا بمن باز گرداند ، ستایش میکنم او را بستایشهاییکه مورد پسند او باشد . طولی نکشید که استر گم شده پیدا شد و آن را بازمی آوردم . پدرم سر با آسمان نموده و گفت : (الحمد لله) . و بر این کلمه مبارکۀ چیزی نیفزود .

پس از آن فرمود : چیزی را فروگذار نکردم و همه انواع ستایش را بخداوند عروج اختصاص دادم . علوم انسانی و مطالعات فقهی
پس هر ستایشی که فرض و تصور شود مشمول این کلمه مبارکۀ خواهد بود .

رب العالمین

در بخش دیگر آیه شریفه، که جمله رب العالمین باشد نیز اسراری نهفته است که قسمتی از آن که مورد استفاده عموم باشد برای علاقه مندان با ذمه تمالی و توفیقۀ بیان میشود .

۱- چنین بنظر میرسد که جمله مبارکۀ (رب العالمین) تاجمه هالك يوم الدين در عین آنکه اشاره بنه متها و نیکوئیهای حق تعالی است برهان و منطق کلمه الحمد لله نیز می باشد . یعنی : جمیع انواع ستایش مختص بخداوند تعالی است . چرا نباشد در صورتیکه او پروردگار جهانها است ؟

اومهربان و بخشنده است ، اوصاحب و فرمانروای روز پادشاه است ؟ یعنی آغاز هستی بدست او است ، او کاروان وجود را بر اساس رحمانیت و رحیمیت با انجام میرساند و پادشاه میدهد .

۲ - جمله **رب العالمین** و سایر جملات تا **ایک نعبد و ایک نستعین** خودمشمول بر انواعی از ستایش می باشد و پس از آنکه تمام انواع ستایش را اختصاص بذات باری میدهد ، قسمتی از انواع ستایش را با نام و نشان ذکر میکند ، پس جمله مبارکه (**رب العالمین**) هم منطبق و برهان کلمه **الحمد لله** می باشد و هم خود حمد و ستایش پروردگار است ، درحقیقت هم علت است و هم یکی از مصادیق معلول .

۳ - اینکه در مقام حمد و ستایش هم ذات واجب الوجود و هم صفت **رب العالمین** را مورد نظر قرار میدهد بحسب آنچه بنظر میرسد واجد اساری است :
(الف) ذات خداوند و صفت او هر دو شایسته ستایش و حمد است چون هر دو جمیل و عین اختیار است .

(ب) آنچه نیکی و جمال است از ذات کثیر البرکات او تراش میکند . چون **الله** و واجب الوجود است ، **رب العالمین و رحمن الرحیم** و مالک روز پادشاه است ، پس درحقیقت ابتداء علت و پس از آن معلول را ذکر نموده است .
(ج) ممکن است اشاره باشد باینکه : آنچه بیشتر موجب ستایش است این است که پروردگار جهانها خداست و متکفل تربیت و تدبیر و رهبری قافله وجود و کاروان غیب و شهود و وجود مبارک واجب الوجود است و خیلی فرق دارد که متکفل تربیت ، موجودی باشد که واجب و غنی است ، یا آنکه خود فقیر و نیازمند بغير باشد

۴ - از دقت در موارد استعمال کلمه (رب) استفاده می شود که در مفهوم آن دو چیز ملاحظه شده است :

(۱) تربیت و اصلاح . (۲) آقایی و مالکیت .

یعنی کلمه **رب** را در لغت بر مالکی که دران تربیت و اصلاح ملاحظه نشده است اطلاق نمی شود مثلا بمالک سنگی گفته نمی شود **رب الحجر** ، و همچنین بر کسیکه تربیت می کند ولی تسلط و مالکیت ندارد لفظ **رب** اطلاق نمی شود مانند مربی اطفال که از طرف پدر ، یا مادر بر آنان گماشته می شود زیرا بچنین کسی نمیگویند : **رب الاطفال** ؛ ولی مربی اطفال گفته می شود .

بنا بر این مقصود از رب این است که خداوند متعال مربی و مدبر و مالک و سرپرست جمیع موجودات است .

۵ - چون لفظ مبارک (رب) متضمن مالکیت مطلقه است از ابتداء وجود هر موجودی تا آخر آن ، دلالت دارد بر خالقیت و هم بر قیومیت و بهترین مثال برای فهماندن قیومیت خداوند ، همان ارتباط هر بشری است با موجودات ذهنیه و تصورات فسانیه خود . که شرح آن از اقتضای این مقال خارج است .

۶ - از احاظ اینکه لفظ مبارک (رب) متضمن حقیقت تربیت می باشد دلالت دارد بر اینکه خداوند متعال جمیع اجزاء ، تمام عوالم هستی را بکمال لایق خود میسراند . زیرا حقیقت تربیت این است که مربی ؛ آن چیز مورد تربیت خود را بآن مرتبه کمالی که در وجود آن نهفته و متمرکز می باشد برساند و این عنایت ، بالاترین عنایتی است که ممکن است از طرف واجب الوجود نسبت بممکنات افضا شود ، و در قرآن کریم این حقیقت را در موارد دیگر بطور وضوح میفرماید :
 قوله تعالی : (و یؤت کمال ذی فضل فضله) هر واجد امتیازی را با امتیاز خود میسراند (الذی اعطی کمال شیء خلقه ثم هدی) آن خدائی که هر چیزی را آفریده پس از آن راهنمایی فرمود .

مهمی که به گل نکتت و به گل جان داد . بهر که هر چه سزا بود حکمتش آن داد بنا بر آنچه گذشت کلمه رب دلالت دارد بر اینکه خداوند آفریدگار است و قیوم است و مربی می باشد ۷ - از لحاظ اینکه کلمه (رب) متضمن تربیت است دلالت دارد بر اینکه جمیع موجودات چه بحسب ظاهر دارای حیات نباتی ، یا حیوانی باشند یا نباشند ، در حرکت و سیر می باشند و شایسته تربیت و ترقی از نقص بکمال هستند و همه بکمال مناسب خود میسرند . و شاید این همان حرکت جوهریه ای است که مرحوم صدر المتألهین در کتب خود اثبات نموده است .

۸ - نظر باینکه تربیت بر دو قسم است : تکوینی و تشریحی ؛ و مفاد آیه شریفه این است که خداوند متعال بتمام معنی رب العالمین است و جمیع موجودات را بهمه کمالاتی که در آنها نهفته است میسراند ، اشاره و ایما می بپوشد و انزال کتب دارد . برای اینکه تربیت انسان مسلما نیاز کامل دارد بقوانین و دستوراتی که او را برای زندگی عالی تری آماده سازد و روح پاک او را از آلودگیهای ماده و ماده پرستی و بد خوئی و خبیثت برهاند و بعالم الوهیت نزدیک کند تا آنکه صفت ابدیت و قیومیت بخود بگیرد ، بلکه آیه شریفه متضمن جمیع شئون تربیت تکوینی و تشریحی است که از آن جمله وجود امام و حافظین دستورات تربیتی می باشد .

۹ - جمله مبارکه رب العالمین انسان هوشمند را متوجه میکند بوجود نیروهای در

موجودات و باینکه این نیروهای نهائی از مرتبه قوه بفعلیت میرسند و منشأ آثار می شوند. مثلا انسان می بیند که هسته ای درخت می شود، آن درخت بارور می گردد از تناول میوه های آن انسان تغذیه میکند و برای پرورش هوش و استعداد خود استمداد میکند. و در نتیجه هسته ناچیز هوش و عقل می شود و بواسطه دارا بودن هوش، بعوالم علمی مادی و معنوی میرمیکند تمام این مراتب از کلمه تربیت بذهن انسان باهوش میرسد. برای اینکه حقیقت تربیت همین است که موجود ناچیز به مراحل کمال برسد. پس از آن خواه ناخواه آدمی متوجه می شود که چه کسی این نیرو را ظاهر می سازد و این قوه نهائی را بفعلیت میرساند. خود قوه که نمی تواند موجود بفعلیت باشد و امل دیگر هم همه نیروهای هستند که در عالم پراکنده می باشند، پس باید همان رب العالمین همواره با عنایت و قیومیت خود این نیروها را بصورت تحقق درآورد و بکمال مطلق برساند.

ولی ای خواننده ارجمند بدان که تمام این دنیا در حکم همان هسته است. میوه تلخ و یا شیرین آنرا هنوز تناول ننموده ایم. امیدوارم سعی کنیم که هسته وجودی ما در عالم دیگری که بمبارکی همه رهسپار آن هستیم درخت بارور شود و میوه شیرین و مطبوع بما بدهد. غرض این است که جمله مبارک (رب العالمین) انسان را با اعتقاد بمبدء قیوم ناچار میکند.

۹۰ - کلمه عالمین بظاهر مرادف با جها نها است یعنی جهان دنیا، جهان آخرت، جهان ملائکه، جهان حیوان، جهان جماد، جهان انسان. و بنا بر آنکه بیشتر مفسرین میگویند، جمیع انواع و اصناف موجودات را شامل می شود. و بعضی میگویند اختصاص بذوی العقول دارد. ولی عدم اختصاص این کلمه، و شمول آن جمیع اصناف موجودات ممکنه را بصواب نزدیکتر است. و این کلمه مبارک که از لحاظ آنکه جمع است صراحت دارد در اینکه مالکیت و قیومیت حق متعال منحصر بیک عالم بالخصوص نمی باشد و او است که مالک و مربی تمام عوالم مختلفه است.

۹۱ - ممکن است جمع بودن کلمه مبارک (رب العالمین) نیز اشاره باشد بمقامت حق متعال از احاطه اینکه بقتهائی و یگانگی و یکتائی، مربی عوالم بسیار می باشد، یعنی همان خدائی که عالم عقول و فرشتگان و پیغمبران را رهنمائی میکند و بعنایت و رحمانیت و رحیمیت خود آنان را تربیت می نماید و بکمال شایسته ایشان میرساند، همین عنایت را بدون تفاوت بمال حشرات یا جمادات دارد و آنها را نیز بمنتهای کمال شایسته خودشان میرساند، و جمیع اصناف مختلفه کاروان هستی با تباین و اختلافی که دارند همه مرتبط بحق متعال و تحت تربیت و قیومیت و مملو کیت اوست باشند. **والحمد لله رب العالمین.**